

پشت جبهه سلطنت گروگان هفتم - (۱) -

تکمیل اشارات..

امیر فیض- حقوقدان

شاید بتوان یک تحقیق را به یک کار صنعتی و هنری تشبیه کرد که هنرمند با هرنگاهی به رنگ و شکل هنرش، چیزی به آن میافزاید و یا کم میکند، و تلاش دارد تا چیزی را که عرضه مینماید لااقل خودش راضی باشد. گرچه سابقه نشان میدهد که محقق بعد از مدتی که از تحقیق او میگذرد افسوس میخورد که کاش تحقیقش جامع تر بود.

براین منوال اشاراتی نسبت به بخشهایی از قسمتهای تحریر پشت جبهه لازم است که بقول معروف آن وصله پینه ها سبب محکمی تحقیق گردد.

چه کسانی پشت طرح هنری پرست بودند

درباره طرح هنری پرست توضیحاتی در باب ماموریت آن داده شد، ولی یک نکته اساسی در آن توضیحات نبوده است و آن اینکه **چه کسانی پشت طرح مزبور بوده اند و آیا وزارت خارجه آمریکا شخصا به طرح مزبور توجه پیدا کرده است یا خیر.**

پاسخ این است؛ خارجیانی بطور کلی برنامه های اجرائی خودشان رانسبت به کشورهای دیگر با استفاده از نظریات افرادی که عوامل آنها در آن کشورها شناخته میشوند تنظیم میکنند، و مامورین اطلاعاتی آنها نیز هرچه اطلاعاتی را که بدست میآورند از طریق همان واسطه هاست.

نمونه برجسته آن همین تحریم های آمریکا علیه ایران است که مقامات آمریکائی اقرار کردند که تحریم ها بنا بر درخواست ایرانیان خارج از کشور صورت گرفته است.

نهضت آزادی و طرح هنری پرست

سند مشخص در این مورد مصاحبه بازرگان است با روزنامه اطلاعات بتاريخ ششم اسفند ماه سال ۵۷ که گفت:

<تا وقتی که شاه استعفا ندهد تشویش واضطراب وجود خواهد داشت.>

مه شید=دوشنبه، ۲۳/۰۱/۲۰۱۷ برگ ۲ از ۸ پشت جبهه سلطنت گروهان ۷- (۱) امیرفیض- حقوقدان

این زمان چندماه فقط چند ماه قبل از تاریخ تصویب طرح هنری پرشت است در وزارت خارجه آمریکا.

آقای بازرگان پس از پیروزی شورشیان بارها گفت: «اگر کمک آمریکا نبود، انقلاب اسلامی موفق نمیشد».

در گزارش اجرایی طرح هنری پرشت ملاحظه کردید که قسمت اول طرح دقیقاً متوجه تحمیل استعفای از سلطنت به شاهنشاه ایران بود و پیش بینی شده بود که اگر شاه حاضر به استعفا یعنی خواست بازرگان نشود، آنوقت بقیه طرح که عدم قبول انتقال سلطنت به ولیعهد و ممنوعیت از فعالیت سیاسی از سوی خانواده سلطنتی است به اجرا گذاشته میشود.

بزرگترین کمکی که آمریکا به نهضت آزادی و جا انداختن شورش ۵۷ کرد همین مسئله تقاضای بازرگان از آمریکا در مورد جبهه گیری علیه سلطنت بود.

بازرگان میدانست که نفوذ کلمه شاه در جامعه ایرانی تا چه حد است، او میدانست که شاه و پیامبری دو نگین انگشتی در فرهنگ ایرانی است. میناچی هم از وزرای کابینه بازرگان بکرات از خطر بازگشت سلطنت و نگرانی از روابط معنوی مردم و شاه هشدار داده بود.

استعفای مورد درخواست بازرگان به معنای قطع تداوم سلطنت به اراده شاه تلقی میشود، و پس از استعفا شاه تبدیل به یک فرد عادی میشود و تنها در این حالت است که تشویش و نگرانی شورشیان از گرایشهای فرهنگی مردم به شاه فروکش میکند و نظام سیاسی و ارتشی فرو خواهد ریخت.

به اعتبار همین درخواست بازرگان بود که طرح هنری پرشت بفوریت بتصویت رسید و در اولین فرصت ممکن هم توسط هوشنگ نهاوندی به شاهنشاه در مرکزیک ابلاغ و مورد عمل قرار گرفت.

سلطنت نه شاه

توضیح بالا ممکن است این تداعی را بوجود آورد که مخالفت آمریکا با شاهنشاه ایران و یا درخواست استعفای شاهنشاهی چه ارتباطی به تداوم سلطنت داشت؟ خوب با استعفای شاهنشاه نیابت سلطنت (علیاحضرت شهبانو) امور سلطنت را تار سیدن ولیعهد به سن قانونی تصدی میکردند و در نتیجه میتوان گفت که استعفای شاهنشاه از سلطنت نقصانی در تداوم سلطنت بوجود نمیآورد.

وزارت خارجه آمریکا دقیقاً متوجه مسئله حساس فوق بوده است؛ که موضوع عدم موافقت با انتقال سلطنت را بروال قانون اساسی به ولیعهد در طرح گنجانیده است و در این صورت استعفای شاهنشاه با توجه به طرح هنری پرشت قطع تداوم سلطنت بصورت ابدی در میآید.

نقطه جالب توجه اینجاست؛ همانطور که در گزارش مشروح شرفیانی باتفاق والاگهر آزاده شفیق حضور علیاحضرت برای قبول نیابت سلطنت و حفظ تداوم سلطنت؛ که ایشان به سفارش و سماجت کسانی مانند آقای دکتر نهاوندی و شاپور بختیار و شخصی بنام علی رضائی مانع شدند تا تداوم سلطنت بوسیله علیاحضرت بشرحی که قانون اساسی یاد کرده بود ادامه پیدا کند، با استعفای شاهنشاه و عدم وجود نیابت سلطنت یعنی عدم قبول نیابت سلطنت از سوی نایب السلطنه (علیاحضرت) عملاً قطع تداوم سلطنت بوسیله خانواده سلطنتی عملی شده بود.

مه شید=دوشنبه، ۲۳/۰۱/۲۰۱۷ برگ ۳ از ۸ پشت جبهه سلطنت گروهان -۷- (۱) امیرفیض- حقوقدان
بنابراین وزارت خارجه آمریکا با استقبال از تقاضای بازرگان آنرا تکمیل وبصورت طرح هنری پرشت در
آورد.

سند زیر که از آقای ساندر به نیوسام در سفارت آمریکا در تهران در شهریورماه سال ۵۸ مقارن با طرح
هنری پرشت نوشته شده نشان میدهد که عمل وزارت خارجه آمریکا یکطرفه نبوده وبصورت معامله
ای متقابل با بازرگان ودولت موقت او جریان یافته است.

>..... ما باید مسئولانه عمل کنیم وبازرگان را قدرت بدهیم ومطمئن باشیم که در آینده ارتش دوستانی
خواهیم داشت که میتوانند معضلات سیاسی مملکت را راهگشا باشند.

(اسناد سفارت آمریکا جلد سوم صفحه ۱۷)

چگونگی اعلام طرح

مقصود از تیتیر (چگونگی اعلام طرح) این است که طرح هنری پرشت با آنکه محرمانه بود چگونه به کل
ایرانیان خارج وداخل کشور ابلاغ شد.

در بخشهای گذشته پشت جبهه اعلام گردید که شخصیت های ایرانی خارج ازکشور وهمچنین مقامات بالای
ارتشیان که خارج ازکشور اقامت داشتند مانند ارتشبد جم و دیگران ویا سیاستمداران مانند هوشنگ
نهاوندی و آقای اردشیر زاهدی وامثالهم ازسیاست وزارت خارجه آمریکا نسبت به تداوم سلطنت ایران
آگاه بودند ولی سایر ایرانیان خارج ازکشور از جمله روزنامه نگاران وفعالین سیاسی هیچ بویی از طرح
هنری پرشت نبرده بودند.

البته آنچه که سنگر کرد و طرح را از اسناد محرمانه سفارت آمریکا بیرون کشید و منتشر ساخت
نمیتوانست در حدی با اهمیت جلوه کند که ایرانیان آنرا در حدی جدی بگیرند که توقع واکنشی را از آنها
داشت زیرا فعالیت سنگر بسیار محدود واز جهت آگاهی ایرانیان ضیق کلی داشت.

در سال ۱۳۶۳ اعلیحضرت (رضا شاه دوم) در مصاحبه ای در پاریس فرمودند:

<من بعنوان پادشاه مشروطه برخوادم گشت. ایرانیان خواستار بازگشت من هستند.>

این بیان اعلیحضرت بعد از اتیان سوگند سلطنت قاطع ترین و روشن ترین بیان ایشان در رابطه با موقعیت
خودشان ومبارزه ایشان است.

این زمان که حدود سه سال از اتیان سوگند نهم آبان اعلیحضرت میگذشت، بیشتر ایرانیان خارج از کشور
هیچ آگاهی ویا تصویری نسبت به طرح هنری پرشت ویا مزاحمت ها ومحظورات احتمالی آمریکا علیه
اعلیحضرت نداشتند.

در این زمان بود که طرح هنری پرشت از سوی تلویزیون سی - بی اس رسماً اعلام گردید، توضیح
اینکه؛

مه شید=دوشنبه، ۲۳/۰۱/۲۰۱۷ برگ ۴ از ۸ پشت جبهه سلطنت گروهان -۷- (۱) امیرفیض- حقوقدان

پس از مصاحبه اعلیحضرت و اعلام اینکه «من بعنوان پادشاه مشروطه برخوادم گشت ایرانیان خواستار بازگشت من هستند» آقای دیوید آدام خبرنگار شبکه سی - بی - اس در پاریس مصاحبه ای با اعلیحضرت رضا شاه دوم ترتیب داد و در پایان مصاحبه صریح و آشکار گفت:

((ایالات متحده آمریکا ادعای وی را بر تاج و تخت ایران به رسمیت نمیشناسد)).

آن زمان و اعلام تلویزیون سی - بی - اس تنها موردی است که نشان میدهد نیت و کیفیت اجرایی طرح هنری پرشت بوسیله یک خبرنگار بین المللی به اطلاع همه مردم جهان بویژه سلطنت طلبان رسید.

واکنش خبر مزبور

خبر تلویزیون سی - بی - اس بسیار مهم است، چرا که بهرحال تسلط و دخالت یک کشور خارجی آنهم آمریکا را بر حقوق سیاسی یک ملتی نشان میدهد؛ آنهم حقوق سیاسی که ۲۵۰۰ سال سابقه تاریخی دارد ولی مهم در این قضیه نه تنها اینکه ایرانیان و بویژه مطبوعات و تلویزیونها و رادیوها کوچکترین اعتراضی به این دخالت آشکار و ایجاد محظورات سیاسی علیه سلطنت نکردند؛ و از همه مهمتر دبیرخانه اعلیحضرت که مسئول آن زمان دبیرخانه، شخص آقای محمود فروغی بود کوچکترین واکنشی نسبت به اعلام خبر مزبور از خود نشان نداد و به این ترتیب طرح هنری پرشت که در سال ۱۳۵۸ بتصویب وزارت خارجه آمریکا رسیده ولی اعلیحضرت رضاشاه دوم به آن انگاره ای نداشتند، در سال ۱۳۶۳ رسماً به همه ایرانیان ابلاغ و با سکوت دبیرخانه قبولی آن رسمیت یافت!

در حالیکه تنها شخصی که تکلیف داشت نسبت به طرح هنری پرشت خاصه اعلام عام شبکه تلویزیونی سی - بی - اس در مورد موقعیت اعلیحضرت و واکنش نشان بدهد، دبیرخانه اعلیحضرت و شخص آقای فروغی بوده است.

سکوت دبیرخانه اعلیحضرت نسبت به خبر شبکه سی - بی - اس و همچنین کنار کشیدن شخصیت های سیاسی و نظامی از حمایت سلطنت رضاشاه دوم تأثیری ایجاد کرد که یک نمونه از آن برای درک اثر آن اعلام کافی است.

شاهد مستند

مستند فراموش نشدنی روزنامه ایران تریبیون که در آن سالها در لوس آنجلس بمدیریت آقای پرویز قاضی سعید منتشر میشد در شماره شنبه ۲۶ آبان ماه سال ۱۳۶۳ (تاریخ مصادف با اعلام تلویزیون سی - بی - اس) از اعلیحضرت با عنوان اعلیحضرت رضاشاه دوم یاد میکرد، مرتباً در جهت حقانیت سلطنت و فعالیت سلطنت طلبان مینوشت؛ از آنجمله است:

> بزرگترین تشکیلات جهانی ضد شاه اینک آماده پیوستن به شهروان ایران است - عکسهای پادشاه جوان بر دیوارهای شهر کازرون نقش دارد- پادشاه به میدان آمد - آمریکا باید، دولت در تبعید رضا شاه دوم را برسمیت بشناسد - رضاشاه دوم محمود فروغی را بسمت نخست وزیر دولت در تبعید انتخاب کرد وووووو.

مه شید=دوشنبه، ۲۳/۰۱/۲۰۱۷ برگ ۵ از ۸ پشت جبهه سلطنت گروهان -۷- (۱) امیرفیض- حقوقدان

+ قلمم بشکند اگرچیزی علیه شاه بنویسم + مادیرفهمیدیم قدرتی که میتوانست آخوند ها را از قدرت پائین بکشد و به نظام پادشاهی لگدپراکنی کردیم+ پدر من یک افسرواداربه شاهنشاهی بوده است و من خلاف پدرم نخواهم بود + امثال آنها<

(مشروح درسنگرها از جمله ۳۵۲+۳۳۲)

ولی همینکه سیاست آمریکا نسبت به مخالفت با تداوم سلطنت بوسیله شبکه تلویزیونی اعلام شد آقای پرویز قاضی سعید که بهرحال شهرتش با عنوان کالبد شکاف درلوس آنجلس همراه نامش بود و میتوان ایشان را صدر نویسندگان و روزنامه داران لوس آنجلس شناخت که سه روزنامه زیرقلم ایشان اداره میشد؛ چنان تحت تاثیر آگاهی عام خبر وزارت خارجه آمریکا قرارگرفت که اساسا سوگند نهم آبان سلطنت را نادرست خواند و نوشت ((رضاپهلوی نمیبایست درقاهره سوگند نهم آبان ریاد میکرد در آن موقع که شاهزاده رضاپهلوی بعنوان پادشاه ایران سوگند یاد کرد کاری شخصی وخصوصی انجام داد دقیقا همانطوری که یکی ازبازماندگان سلسله قاجارپس ازروی کار آمدن جمهوری اسلامی در پاریس اعلام به پادشاهی خود کرد)))

(عصرامروز ۲۴۷۳ بقلم آقای قاضی سعید)

او به این هم اکتفا نکرد و نوشت: «شاهزاده مشاورین عاقل وبارزی نداشت والا چنان سوگندی یاد نمیکرد..»

باضافه نوشت: «ما ۱۵ سال آوارگی نکشیده ایم تاوان نداده ایم و آن مردم داخل آن حصار بلند رژیم ۱۵ سال مرگ و مصیبت و خون و شکنجه را تحمل نکرده اند یک دیکتاتور را بردارند و یک دیکتاتور دیگر را سرجایش بگذارند که حتی اصول دیکتاتوری صالح را هم نمیداند، ازاین روست که می بینیم در داخل کشور تازمزمه سلطنت بگوش میرسد همه نویسندگان و روشنفکران قلم برمیدارند و مینویسند که ملت ایران غذائی را که استفرغ کرده است دوباره نمی خورد ولو اینکه قاشق طلا به دستش بدهند..»

+ «راستی دراین همه مصیبت و گرفتاری و دراین ماجراهای پی درپی درگوشه و کنارایران دراین هنگامه به پا خواستن مردانه و دلیرانه ملت ایران، آقای رضا پهلوی کجاست و چه میکند در کوت داور چشم به سواحل لاجوردی مدیترانه دوخته است؟ مشغول ستیز در دادگاه ها برای حفظ اموال است؟..» و نظایر آن.

رابطه تغییر عقیده با تصمیم وزارت خارجه آمریکا

ممکن است با عرض مطالب بالا این تداعی حاصل شود که خوب آقای قاضی سعید بعلت برخورد با افکار جدید ویا واقعیتها تعصب و جانبداری از رضاشاه دوم را از دست داده است.

این چنین تداعی به ملاحظه نمونه زیر کاملا بی اعتبار است و نشان میدهد که آقای قاضی سعید صدر نشین مطبوعات برون مرزی دقیقا چشم به راه تصمیم و دستور وزارت خارجه آمریکا بوده است، به دلیل وسند زیرتوجه فرمائید زیر اهمیت آن در رابطه با اثر اعلام طرح هنری پرشت بر نیروهای سیاسی خارج از کشور است و اگر نمونه متوجه آقای قاضی سعید شده است؛ از باب انتخاب اقوی دلیل است نه شخص بخصوص، اتفاقا در کارنامه آقای قاضی سعید در کنار فساد بسیار یک روزنه کوچکی هم از تصمیم درست گرفتن هست و آن کنار کشیدن از فروکش کردن درمنجلا ب، امید دانا و منکران است، وی حاضر نشد که اعلیحضرت رضاشاه دوم را خائن بنامد.

حاشیه = اسناد مبارزه سیاسی ایرانیان نشان میدهد که اولین کسی که رضاشاه دوم را خانن نامید آخوند شریعمداری بود و بعد ها امید دانا و ۵۰ نفر از منکران حقیقت و شرافت بودند.

باری

آقای کالبد شکاف معروف لوس آنجلس در عصر امروز در مقاله (ابره‌های تازه سیاسی) سنگ تمامی برای حمایت از رفسنجانی گذاشت؛ و میدانید او اولین کسی بود که به رفسنجانی عنوان امیرکبیر را داد، او نوشت: «آنطور که گزارشات خارجی میگوید؛ رفسنجانی مردی است واقع گرا و پس از بیرون راندن عراق از خرمشهر از جمله معرود اطرافیان خمینی بود که برپایان دادن جنگ اصرار داشت».

حاشیه = اظهار نظر بکل خلاف واقع است، بشرح شهودی که در تحریرات ارائه شده رفسنجانی و تیم او مشخصا خواهان ادامه جنگ بوده اند (پایان حاشیه).

قاضی سعید در همان مقاله تلاش بسیار زنده ای برای برانگیز رفسنجانی پرداخته و نوشته است:

> در مقابل این زمینه های مساعد و مطلوب رفسنجانی دارای اتهامات گوناگونی نیز هست که موثرترین آنها تصویب و کشتار مخالفان در داخل و خارج کشور میباشد، اما اگر نظام قدرت را بشناسیم و مناسبات موجود برای اقتدارگرایی را از دریچه سیاسی، نه احساسی تجزیه تحلیل کنیم درمی یابیم که رفسنجانی همان راهی را رفته و میرود که همه قدرت مداران در همه جهان می پیمایند یعنی حذف مخالفان از همه راه های ممکن حتی هدف فیزیکی<

(از رساله گوبلز کوچولو صفحه ۱۰)

اکنون ببینید که چنین دفاعی بی معنی و پوچ قاضی سعید از رفسنجانی به چه دلیلی است! خود قاضی سعید دلیل آنرا چنین آورده است

حوقتی سازمان سیا معتبرترین و هوشیارترین سازمان های اطلاعاتی جهان در مورد رفسنجانی نظر میدهد که سیاستمدار بزرگی است، وقتی سازمان موساد که پس از مدتها تحقیق و بررسی رفسنجانی را بعنوان عاملی که میتواند روی او حساب کرد معرفی میکند، میخواهید من به عنوان فردی که ۱۵ سال برای رهایی کشورم جنگیده ام چنین نیروئی را برای بررسی های خود به حساب نیاورم برای نجات ایران.<

(از همان رساله گوبلز کوچولو)

دستآورد این تحریر

وقی آقای قاضی سعید مبارزات سیاسی خودش را آنطور که اعلام کرده روی اظهارات و برنامه های سازمان سیا و سازمان موساد تدوین میکند و کرده است، لاجرم با آگاهی شبکه تلویزیونی دانه به عدم قبول انتقال سلطنت به ولیعهد در آن مسیر قرار میگیرد که گرفته است.

تاثیر خبر شبکه تلویزیونی مزبور و پیشگامی کالبد شکاف لوس آنجلسی سبب گردید که یکباره مانند طوفانی عظیم یک دگرگونی عجیب و غیرقابل انتظاری در تحول موقعیت اعلیحضرت و تبدیل ایشان به «شاهزاده» و «آقای رضا پهلوی» بوجود آید؛ طوفانی که هرچیزی را که میتوانست در ارتباط با تداوم

مه شید=دوشنبه، ۲۳/۰۱/۲۰۱۷ برگ ۷ از ۸ پشت جبهه سلطنت گروهان ۷- (۱) امیرفیض- حقوقدان
سلطنت اعلیحضرت باشد روید و بجای آن عناوین «رضا پهلوی» و «شاهزاده» و «رفراندم» را عمومیت داد.

کیهان لندن و نوری زاده

اگر در لوس آنجلس اجرای طرح هنری پرشت را آقای قاضی سعید متصدی گشت در اروپا، علیرضا نوری زاده و روزنامه کیهان لندن عامل کار شدند. کیهان لندن، مصاحبه ای با اعلیحضرت ترتیب داد که در پایان آن، مصاحبه کننده که سردبیر وقت کیهان بود رسماً اعلام کرد که **رضایپهلوی خودش، خودش را شاه میدانند** یعنی بیان طرح هنری پرشت بزبان عادی برای ایرانیان و کیهان لندن از آن تاریخ دیگر از عنوان «شهریار ایران» که سابقه استفاده متمادی برای آن روزنامه داشت استفاده نکرد و جای آنرا «شاهزاده رضا پهلوی» گرفت. تصور میکنم که حتی دست اندرکاران طرح هنری پرشت هم فکر نمیکردند که به این سادگی و سرعت این تحول غیرقابل قبول قابل جاافتادن است.

اینجاست که انسان یاد اظهارات مشاورانیت ملی آمریکا میآید که گفت:

«در ایران روشنفکرانی هستند که هرچه مامیگوئیم آنها عمل میکنند؛ همانند تفنگ هرچه را اشاره کنیم نشانه میگیرند».

(کیهان لندن شماره ۱۵ مرداد سال ۸۲)

اثر سکوت جامعه ایرانی

بنده قبل از اینکه این فقره از تحریر پایان یابد خیلی تلاش کردم که آیا حتی یک مورد میتوان یافت که ایرانیان خارج از کشور، بخصوص دبیرخانه اعلیحضرت، نسبت به اعلام تعرض به حقوق سیاسی اعلیحضرت که نماد ملت ایران شناخته میشوند و اعلام آن از سوی تلویزیون سی- بی - اس شده است تا حرف بی ماخذ ننوشته باشم، پیدا نکردم، و این سرافکنگی و شرمساری تاریخی است که ما ایرانیان رانسبت به حقوق تاریخی و هویتی خودمان بی قید و بی توجه نشان میدهد.

دریک دعوا و ادعای ناموجه، شخصی که قانوناً مورد توجه است و مردم مترصد احوال او هستند همان کسی که است که تعرض به حق و حقوق او وارد شده است و در رابطه با طرح هنری پرشت و اعلام همگانی آن از سوی تلویزیون سی - بی - اس متصدی حمایت از حق سلطنت و تداوم آن اول دبیرخانه است و بعد پشتیبانی ایرانیان از حرکت و اقدام دبیرخانه و قابل قبول و تحویل نیست که در عین سکوت دبیرخانه و بل همراهی با طرح هنری پرشت، سلطنت طلبان به های هو بپردازند؛ این امر همانند آن است که مدعی علیه در دعوا حاضر نشود و یا آنرا تائید کند ولی تماشاچای های دادگاه های و هوکنند.

همین امروز که این تحریر در دست تنظیم است خبر رسید که نتانیاهو پیامی برای مردم ایران فرستاده و بین مردم و دولت ایران قائل به تفاوت شده است، ولی واکنش مردم داخل ایران نسبت به این پیام سکوت نبود، بطوریکه خبرگزاریها گفته اند که پیام نتانیاهو تحویل گرفته نشد.

مه شید=دوشنبه، ۲۳/۰۱/۲۰۱۷ برگ ۸ از ۸ پشت جبهه سلطنت گروهان -۷- (۱) امیرفیض- حقوقدان

این اشاره بدان جهت آورده شد که اگر وزارت خارجه آمریکا مدعی شود که طرح هنری پرشت با موافقت ایرانیان داخل و خارج از کشور تنظیم شده است، و دلیل وزارت خارجه آمریکا هم این باشد که هیچ ایرانی نه تنها به این تصمیم وزارت خارجه آمریکا در قطع تداوم سلطنت اعتراض نکرد و نه تنها حتی دبیرخانه رضاپهلوی که تصمیم وزارت خارجه آمریکا دقیقاً متوجه حقوق سیاسی و تاریخی و قانونی ایشان بود و هست اعتراضی نکرد بلکه در پیاده کردن آن طرح هم مساعدت جامعی نمود و ناشرین روزنامه های ایرانی خارج از کشور هم بطور کامل و بدون استثناء قابل توجهی، طرح مزبور را تائید و دنباله روی کردند.

سلطنت طلبان چه دفاعی خواهند داشت آیا کافی است که در مقابل این صدمات حقوقی و رسوا کننده که متوجه ماست بگوئیم پدر آقای محمود فروغی کسی بوده که عامل مهمی برای حفظ تداوم سلطنت ایران بهنگام انتقال سلطنت به ولیعهد بوده است یا عزت در بیان حقیقت در این دو کلمه است که آری پدر محمود فروغی عامل تاریخی برای حفظ تداوم سلطنت ایران بود و فرزندش محمود فروغی عاملی برای قطع تداوم سلطنت ایرانی یعنی طرح هنری پرشت شد.

ناتمام